پژوهش‌نامه اسلامی حقوق/ سال هفتم/ شماره دهم/ ۹۵-۱۱۴

تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران و افغانستان

مرضیه نیازی،[۱] انسیه سلیمی[۲]

چکیده

ارتکاب جرایم در هر نظام حقوقی، خسارت‌های زیادی به جامعه وارد می‌کند. برخی جرایم به دلیل ویژگی‌ها و شرایط خاص خود، دلالت بر خطرناک بودن مرتکب و عدم اصلاح او دارند. نظام‌های حقوقی و قانون‌گذار کیفری درباره چنین مجرمانی، تشدید مجازات را در نظر گرفته‌اند. این امر بر مبانی و اصولی استوار است و آثار و پیامدهای قانونی و قضایی نیز به دنبال دارد. این پژوهش با هدف بررسی شرایط و آثار تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی ایران و کد جزای افغانستان، به روش توصیفی- تطبیقی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مبانی و اصول تشدید مجازات در قانون جزای هر دو کشور مشابه و یکسان است. به عبارت دیگر، تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی و کد جزای افغانستان براساس اصل فردی‌نمودن مجازات، اصل تناسب میان جرم و مجازات و اصل قانونی جرم و مجازات استوار است، اما شرایط و علل مشدده در این دو کشور با یکدیگر تفاوت دارند. در قانون مجازات اسلامی، تعدد و تکرار جرم از علل مشدده جرم به‌شمار می‌رود، اما در کد جزای افغانستان، فقط تکرار جرم از حالات مشدده عام مجازات است و تعدد جرم موجب تشدید نمی‌شود. همچنین در حقوق کیفری ایران، تشدید مجازات به سه شیوه «جمع مجازات‌ها»، «تعیین مجازات اشد» و «تعیین مجازات افزون بر حداکثر» صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که در کد جزای افغانستان، «تعیین حداکثر مجازات مقرر قانونی»، «حکم به بیش از حداکثر» و «تبدیل مجازات به مجازات دیگری که نوعاً شدیدتر می‌باشد» به‌عنوان تشدید مجازات در نظر گرفته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مجازات، عوامل مشدده، قانون مجازات اسلامی، کد جزای افغانستان.

---

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف و حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی- تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: salimi.en400@gmail.com

۱. مقدمه

ارتکاب جرم در یک جامعه، پیامدهای فردی و اجتماعی و زیان‌های گوناگون معنوی و مادی به دنبال دارد. آثار و پیامدهای برخی از جرایم به‌قدری سنگین و عمیق است که قابل جبران نمی‌باشد. ازاین‌رو، قانون‌گذاران برای برخی از مجرمان، تشدید مجازات را در نظر گرفته‌اند. نهاد تشدید مجازات، یکی از نهادهای مهم در قوانین جزایی و سیاست جنایی کشورهاست که برای مجرمان خطرناک پیش‌بینی شده است. امروزه در قوانین جزایی کشورها، علل و شرایطی پیش‌بینی شده است که در صورت ارتکاب جرم در آن شرایط و حالات، مجازات آن شدت می‌یابد. در واقع، برخی مجرمان به این دلیل که از استعداد جنایی بالایی برخوردارند یا هنوز از کرده خود پشیمان و به‌سادگی اصلاح‌پذیر نیستند، به برخورد شدیدتری نیاز دارند (رحمدل، ۱۳۸۸، ص ۳۲). مجموعه علل و شرایط مذکور، باعنوان «احوال مشدده مسئولیت جزایی یا علل تشدید مجازات» نام برده می‌شود.

حقوق‌دانان این دسته از علل و شرایط را به علل عام و علل خاص تقسیم کرده‌اند؛ کیفیات مشدده عام، علل و شرایطی هستند که صرف‌نظر از مصادیق جرم، موجب افزایش مجازات می‌شوند و به جرایم خاصی اختصاص ندارند، اما علل یا کیفیات مشدده خاص، عللی هستند که در صورت همراه‌شدن با جرم خاصی، موجب افزایش مجازات همان جرم می‌شوند.

موضوع افزایش مجازات در حقوق کیفری ایران مورد توجه برخی از پژوهشگران قرار گرفته است؛ از جمله در کتاب *تشدید مجازات در قانون اسلامی جدید* (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۵)، که به مبانی و عوامل این موضوع در قانون مجازات اسلامی ایران می‌پردازد. همچنین در کتاب *مبانی و مصادیق تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران* (عبدالهی، ۱۳۸۲)، افزون بر مبانی، مصادیق آن نیز بررسی شده است. با وجود این، هیچ‌یک از آثار موجود به بررسی تطبیقی این موضوع با کد جزای افغانستان نپرداخته‌اند.

ازاین‌رو، پژوهش حاضر درصدد است با بررسی تطبیقی علل و شرایط افزایش مجازات در حقوق ایران و افغانستان، به این سؤال‌ها پاسخ دهد که مبانی، شرایط و آثار تشدید مجازات در

قانون مجازات اسلامی ایران و کد جزای افغانستان چیست؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد؟ در ادامه، پس از بیان مفاهیم اساسی مرتبط با موضوع، علل و شرایط مربوط به این نهاد در کد جزای افغانستان و قانون مجازات اسلامی ایران به‌صورت تطبیقی بررسی می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

واژه «مجازات» از باب مفاعله و ریشه آن «جزی» است که در کتب لغت، آن را به معنای پاداش دادن، کیفر یا سزای عمل کسی را دادن و مکافات عمل معنا کرده‌اند (معین، ۱۳۶۲، ص۷۹). در اصطلاح نیز مجازات عبارتند از: عکس‌العمل اجتماعی که توسط قانون، در برابر عمل خلاف قانون تعیین و براساس حکم دادگاه بر مجرم اعمال می‌شود (امینی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۶). به عبارت دیگر، مجازات مشقتی است که هیئت جامعه به سه منظور مهم یعنی، تلافی و قصاص جامعه از مجرم، اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت از افراد مجرم، بر مجرم تحمیل می‌کند. ازاین‌رو، برخی از حقوق‌دانان مجازات را تنبیه و کیفری می‌دانند که بر مرتکب جرم تحمیل می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۵۲، ص۱).

واژه «تشدید» در لغت به‌معنای شدت بخشیدن و برتر کردن استعمال شده است، اما در اصطلاح حقوقی، به برتر کردن وضعیت متهم در مرحله تجدیدنظر نسبت به مرحله بدوی، تشدید مجازات گفته می‌شود (معین، ۱۳۶۲، ص۶۵). به عبارت دیگر، هر اقدامی که وضعیت متهم را نسبت به مرحله بدوی برتر کند، تشدید تلقی می‌شود (نوربها، ۱۳۷۹، ص ۳۹)، اما حقوق‌دانان آن را یک تأسیس حقوقی می‌دانند که مراد از آن، تعیین مجازات به بیش از حداکثر مقرر قانونی است. البته منظور از تشدید مجازات، نه‌تنها تعیین مجازات به حداکثر یا بیش از حداکثر مقرر قانونی است، بلکه تبدیل مجازات به مجازات دیگری را که نوعاً شدیدتر باشد نیز شامل می‌شود (رحمدل، ۱۳۹۴، ص ۲۲).

۳. مبانی تشدید مجازات

رفته‌رفته، با پیشرفت علوم جنایی و حرکت آن به‌سوی واقع‌گرایی، مجرم بیش از جرم مورد توجه قرار گرفت و فردی‌کردن مجازات به‌عنوان یکی از مبانی اعمال مجازات، توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد. به موجب این قاعده، قاضی در عین رعایت اصول قانونی و شخصی‌بودن مجازات، می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی و شخصی، برای مجرمان متعددی که مرتکب جرم واحدی شده‌اند، مجازات‌های مختلف تعیین کند (شاه جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۸). همچنین اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها بر این مطلب تصریح دارد که هر رفتاری، اعم از فعل و ترک فعل، در صورتی قابل مجازات است که برای آن در قانون، مجازات تعیین شده باشد.

۴. علل تشدید مجازات

وجود اوضاع و احوال و مقتضیات خاص برخی از جرایم، ایجاب می‌کند که دست‌اندرکاران قضایی در مواجهه با آنها رویکرد متفاوتی در پیش گیرند و در مبارزه با جرایمی که زیان‌های بسیاری به جامعه وارد کرده‌اند، از تشدید مجازات کمک بگیرند. تشدید مجازات از مهم‌ترین راهکارهای نظام‌های کیفری جهان برای مبارزه با جرایم به‌شمار می‌رود که در قالب نهادهای حقوقی، در قوانین کیفری نظام‌های مختلف گنجانده شده است. (شاه‌جهان پور، ۱۳۹۶، ص۲۱) عوامل تشدید مجازات، کیفیات و اوصافی هستند که قانون‌گذار تعیین کرده است و دادرسی به محض احراز آنها، به حداکثر یا بیش از حداکثر مجازات مقرر در قانون برای همان جرم حکم خواهد داد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۷۰/۳). به بیان دیگر، علل تشدید مجازات، کیفیاتی هستند که در صورت تحقق، موجب واکنش قانونی شدیدتری نسبت به مجرم از سوی قانون‌گذار می‌شوند؛ به این معنا که اگر مجازات خاصی برای مجرم خاصی در قانون در نظر گرفته شده باشد، تحقق این کیفیات موجب می‌شود مرتکب به مجازات شدیدتری محکوم شود.

علل و جهاتی که موجب تشدید مجازات می‌شوند، در یک تقسیم‌بندی به علل قانونی و قضایی تقسیم می‌شوند. علل قانونی، عللی هستند که در قانون پیش‌بینی شده‌اند و در اختیار قاضی دادگاه قرار گرفته‌اند؛ در صورتی که قاضی عمل و جرم را مطابق تصریح قانونی تشخیص

دهد، بدون تجاوز از نصاب، به حداکثر مجازات حکم می‌کند. در علل قضایی، هرچند قضات حق تجاوز از حد نصاب مقرر در قانون را ندارند، از آنجا که قانون‌گذار حداقل و حداکثر مجازات را تعیین کرده است، هرگاه جرم فاقد کیفیات مشدده قانونی باشد، اما جهات تشدید وجود داشته باشد، قاضی می‌تواند مجازات مناسب‌تر و بیشتری تعیین کند (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

کیفیات، احوال و جهاتی که به موجب آنها مجازات مرتکب تشدید می‌شود، از چند جهت قابل تقسیم است. در یک تقسیم‌بندی، کیفیات و احوال مشدده عام در مقابل کیفیات و احوال مشدده خاص؛ و در تقسیم‌بندی دیگر، کیفیات مشدده عینی در مقابل کیفیات مشدده شخصی قرار داده شده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۲۱۷/۳). اسباب تشدید مجازات، اگر اوضاع و احوال مقارن جرم خاصی باشد، دادگاه را مکلف به تشدید مجازات می‌کند. در این صورت، تشدید مجازات قرینه عذرهای قانونی در تخفیف مجازات‌هاست. ولی اگر مختص جرم خاصی نباشد، بلکه کیفیاتی عام باشد که هرگاه با هر جرمی مقارن گردد، شرط تشدید مجازات آن جرم به‌شمار آید، در این صورت دادرس به حکم قانون‌گذار ناگزیر از تشدید مجازات به میزان مقرر در قانون است (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۱۷۲/۳).

اندیشمندان حقوق جزا، علل تشدید مجازات را جهات عامی می‌دانند که به جرایم معینی اختصاص ندارند، ولی هرگاه با جرمی همراه شوند، موجب تشدید مجازات آن جرم خواهند شد. (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۲۳۶) علل عام تشدید مجازات، بر خطرناک‌بودن مجرم و آمادگی او برای ارتکاب جرایم بعدی دلالت دارند و بیانگر آن هستند که مجرم هنوز از کرده خود پشیمان نشده و به‌سادگی اصلاح‌پذیر نیست. همچنین، ممکن است مجازات خفیف درباره وی تأثیرگذار نباشد و به برخورد شدیدتری نیاز باشد (تبسم، ۱۳۹۹، ص ۹۹). منظور از احوال یا علل اختصاصی تشدید مجازات، کیفیاتی است که قانون‌گذار به‌صورت خاص و جزئی به آنها تصریح کرده است (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۲۳). به عبارت دیگر، علل اختصاصی تشدید مجازات، عللی هستند که به دلیل وجود خصوصیاتی در جرم، موجب تشدید مجازات می‌شوند (نوربها، ۱۳۶۹، ص ۳۹۹). این علل در هر جرم متفاوت‌اند و قانون‌گذار با توجه به شرایط خاص هر جرم، مجازات شدیدتری پیش‌بینی کرده است.

۵. علل مشدده مجازات

۵– ۱. علل مشدده در حقوق کیفری ایران

۵– ۱– ۱. تعدد جرم

تعدد جرم، بنا به تعریف، عبارتند از: ارتکاب جرایم متعدد، بدون آنکه متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد؛ خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشند و زمان برای تعقیب و محکومیت متهم کافی نبوده باشد، خواه متهم متواری بوده یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ۱۷۴/۳) با توجه به اینکه تعدد جرم در قالب تعدد معنوی و مادی معنا پیدا می‌کند، در بررسی تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی، ابتدا تعدد معنوی و سپس تعدد مادی بررسی می‌شود. براساس ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه کسی مرتکب فعل واحدی شده باشد که دارای عناوین متعدد مجرمانه است، این نوع تعدد را تعدد معنوی (اعتباری) می‌گویند. مانند رشوه‌دادن مال مورد امانت به دیگری که به موجب آن، عناوین مجرمانه رشا و خیانت در امانت بر فعل واحد محقق می‌شود. افزون بر آن، خیانت در امانت و فروش مال غیر، استفاده از سند مجعول و فریب در ازدواج، ایجاد مزاحمت تلفنی و توهین، شرکت در نزاع دسته‌جمعی و اخلال در نظم عمومی، شهادت کذب و مساعدت در خلاصی متهم از محاکم و محکومیت، برخی از مصادیق تعدد معنوی به‌شمار می‌رود (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

فعل واحد، زمانی محل تلاقی عناوین متعدد جرم قرار می‌گیرد که تمامی اجزای ارکان مادی و روانی لازم برای تحقق جرایم متعدد مورد نظر، در فعل واحد ارتکابی و مرتکب موجود باشد. در این موارد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود. در واقع، قانون‌گذار فقط جرمی را قابل اعمال می‌داند که شدیدتر از دیگر عناوین باشد. تعدد مادی نیز در صورتی واقع می‌شود که در فاصله ارتکاب جرایم، درباره هیچ‌یک از جرایم، حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد. ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در مورد تعدد مادی جرایم، حکم آن را بیان کرده است: «در تعدد جرایم

تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر می‌باشد:

الف) هرگاه جرائم ارتکابی مختلف نباشد، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب) در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتکابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل هریک از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ) چنانچه جرائم ارتکابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هریک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت، دادگاه می‌تواند مجازات هریک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

ت) در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می‌شود و جمع جرائم درجه هفت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی‌شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به‌طور جداگانه برای جرائم درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می‌شود و در هر صورت، مجازات اشد قابل اجراست».

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، احکام تعدد جرم در حدود را از شمول مواد مربوط به تعدد جرایم تعزیری خارج کرده و در مواد خاصی به تعدد جرم در حدود پرداخته است. تعدد در حدود، زمانی مصداق پیدا می‌کند که شخصی مرتکب اعمالی شود که مطابق قوانین، مستوجب حدود مختلف باشد. قانون‌گذار دو حالت را در قانون در نظر گرفته است؛ بدین ترتیب که یا جرایم ارتکابی و مجازات آنها یکسان است که در این صورت، تشدید امکان‌پذیر نیست و فقط یک مجازات اجرا می‌شود، یا مجازات جرایم ارتکابی یکسان نیستند که در این صورت، مرتکب مشمول مجازات تمامی جرایم خواهد شد؛ یعنی قاعده جمع مجازات‌ها به اجرا درمی‌آید. توضیحات مذکور مربوط به تعدد مادی در حدود است، اما در مورد تعدد معنوی در حدود باید ذکر کرد که تصور تعدد معنوی در حدود بسیار مشکل است و عقیده غالب بر این است که یک عمل نمی‌تواند در یک دفعه، موضوع چند حد مختلف قرار گیرد. برای مثال، یک عمل

نمی‌تواند متضمن عناوین زنا و قذف باشد. در ظاهر، در این مورد، استثنایی وجود دارد و آن در مورد حد زنای با محارم است (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۲۹).

۵– ۱– ۲. تکرار جرم

نهاد حقوقی تشدید جرم، برای مبارزه با مجرمانی است که اصلاح‌ناپذیر هستند و مجازات‌های پیشین در مورد آنان تأثیر نکرده است. ازاین‌رو، در تمام نظام‌های کیفری، نهاد حقوقی تکرار جرم به‌عنوان راهکاری مؤثر برای مبارزه با مجرمانی در نظر گرفته می‌شود که ضرر دوچندان به جامعه زده‌اند. تکرار جرم یکی از علل مشدده مجازات‌هاست که تمام جرایم را شامل می‌شود و از این نظر، یک علت مشدده عام قلمداد می‌شود. تکرار جرم حالتی است که مجرم یک مرتبه به موجب حکم قطعی محکوم شده است، مجازات در حق او اجرا شده و دوباره مرتکب جرم دیگری شده است. براین‌اساس، برای تحقق تکرار جرم، لازم است که حداقل یک محکومیت جزایی برای مرتکب وجود داشته باشد. (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۳۰) براساس قانون مجازات اسلامی، می‌توان دو رویکرد متفاوت را در زمینه قاعده تکرار جرم ملاحظه کرد. رویکرد نخست، درباره جرایم حدی است که ارتکاب سه‌باره جرم حدی و اجرای مجازات در هر مرتبه و سرانجام تکرار آن در مرحله چهارم، موجب محکومیت فرد به اعدام خواهد بود. قانون‌گذار در ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است». مهم‌ترین نکته‌ای که از این ماده استفاده می‌شود، این است که ملاک قاعده تکرار در جرایم حدی، اجرای مجازات حدی در هر بار نسبت به همان جرم حدی است، نه صدور حکم.

رویکرد دوم، درباره جرایم تعزیری است. ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌ها تعزیری از درجه یک تا پنج محکوم شود، از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت شمول مرور زمان اجرای مجازات مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری شود، حداقل مجازات جرم ارتکابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه می‌تواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک‌چهارم آن

محکوم کند». واضح است که قطعیت حکم برای اعمال قواعد و ضمانت اجرای تکرار جـرم، لازم و کافی دانسته شده است. همچنین، شمول قاعده تکرار جرم در جرایم تعزیری مطلق نیست و جـرایم تعزیری درجه هفت و هشت را دربرنمی‌گیرد. (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۳۶)

۵– ۱– ۳. ویژگی مرتبط با رفتار مجرمانه

تعدی به عنف و آزار و جرح، نوعی اجبار، اکراه و تهدید مجنی‌علیه است که بـا اعمـال آن، جـرم سنگین‌تر و خطرناک‌تر شده و بالطبع، مجازات شـدیدتری را مـی‌طلبـد. ازایـن‌رو، یکـی از علـل مشدده جرایم به‌شمار می‌رود و در مواردی، با اضافه شدن به برخـی از جـرایم، بـه‌مثابـه جرمـی مستقل شناخته می‌شود. قانون‌گذار در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی، در موارد خاصی مجازات اعدام را در نظر گرفته است که از جمله آنها زنای به عنف است. همچنـین، در مـاده ۶۵۲ قـانون مجازات اسلامی، سرقت مقرون به آزار، مجازات مرتکبین را افزایش مـی‌دهـد: «هرگـاه سـرقت، مقرون به آزار باشد یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تـا ده سـال و شـلاق تـا ۷۴ ضـربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجـازات جـرح، بـه حـداکثر مجـازات مذکور در این ماده محکوم می‌شود». یکی از علل مشدده عینی، تعدد مجرمین با سبق تصمیم در ارتکاب جرایم است که همان اقدام مجرمانه چند نفر با توطئه قبلی است. مطابق ماده ۶۸۲ قانون مجازات اسلامی: «هر نوع نهب، غارت اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طـرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود، چنانچه محارب شناخته نشود، به حـبس از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد».

۵– ۱– ۴. زمان و مکان وقوع جرم

در برخی از موارد، زمان و مکان ارتکاب جرم بر شدت مجازات مرتکبان تـأثیر مـی‌گـذارد. بـرای مثال، قانون‌گذار در ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی مواردی را ذکر کرده است که موجب تشدید مجازات جرم سرقت می‌شوند؛ از جمله اینکه سرقت در شب واقع شده باشـد. همچنـین، مطـابق ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی، قتل در ماه‌های حرام موجب تغلیظ دیه می‌شـود. مطـابق ایـن ماده: «هرگاه رفتار مرتکب و فوت مجنی‌علیه، هردو در ماه‌های حرام (محرم، رجب، ذی‌القعـده و

ذی‌الحجه) و یا در محدوده حرم مکه واقع شده، علاوه بر دیه نفس، یک‌سوم دیه بـر آن افـزوده می‌شود؛ خواه جنایت عمدی باشد، خواه غیرعمدی» (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

۵– ۱– ۵. استفاده از وسایل خاص در ارتکاب جرم

در برخی از جرایم، استفاده از وسایل خاص، مانند وسایل نقلیه، موجب تشدید مجازات مـی‌شـود. برای مثال، استفاده از وسیله نقلیه در جرم آدم‌ربایی، مجازات آن را تشدید می‌کند. به موجب ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات: «هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگـر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحوی دیگر شخصاً یـا توسـط دیگـری شخصـی را برایـد یـا مخفی کند، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد، به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج محکوم خواهد شد». همچنین، استفاده از اسلحه یعنی، وسـیله‌ای کـه کشنده باشد، اعم از سرد و گرم، یکی دیگر از کیفیات مشدده است که در جرایمی مانند سـرقت، حتی ضرورتی در به‌کاربردن آن نیز نیست؛ بلکه کافی است سـارق فقـط مسـلح باشـد. در جـرم دیگری مانند تمرد نسبت به مأمورین دولت نیز، هرگاه متمرد دست به اسلحه بـرد، مجـازات وی تشدید می‌یابد (ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی تعزیرات).

۵– ۱– ۶. ویژگی مرتبط با مرتکب

در قانون مجازات اسلامی ایران، بین مسلمان و کافر بزهکار از نظر مجازات، تفاوت‌هـایی وجـود دارد. برای مثال، در ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی، برای عمل لواط بین دو مرد بدون عنـف و اکراه، صد ضربه تازیانه مقرر شده است، اما در تبصره همین ماده آمده است کـه در صـورتی کـه فاعل غیرمسلمان و مفعول غیرمسلمان باشد، حد فاعـل اعـدام اسـت. (اردبیلـی، ۱۳۹۴، ۱۷۲/۳) همچنین، قانون‌گذار به تبعیت از شرع، احصان را در قوانین کیفری از علل مشدده جرایم شـناخته است. چنانچه مطابق مواد ۲۲۵ و ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی، مجازات زنای زن بـا مـردی کـه واجد شروط احصان نباشد، صد تازیانه است، اما اگر شروط احصان را داشته باشند، مجازات رجـم اعمال خواهد شد.

قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مجازات سردستگی را براساس نوع جرم به دو بخش تقسیم کرده است. در بخش نخست یعنی، جرایم تعزیری، اگر گروه در راستای یک هدف مشخص مرتکب چند جرم، مانند کلاه‌برداری و سرقت از منزل مسکونی، شوند، مجازات سردسته، حداکثر مجازات جرمی است که اعضای گروه مرتکب آن شده‌اند. در بخش دوم یعنی، سردستگی در جرایم موجب حد، قصاص یا دیه، سردسته به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. براین‌اساس، در جرایمی که مجازات محارب و مفسد فی‌الارض را دارد، فقط در صورتی که عنوان محارب یا مفسد فی‌الارض درباره سردسته صدق کند، او به مجازات محارب یا مفسد فی‌الارض محکوم خواهد شد. در غیر این صورت، مجازات او همان مجازات معاون در جرم است (شاه‌جهان‌پور، ۱۳۹۶، ص ۵۴).

۵– ۲. علل مشده مجازات در کد جزای افغانستان

۵– ۲– ۱. علل مشدده عام

قانون‌گذار کشور افغانستان باعنوان «حالات مشدده مسئولیت جزایی»، علل و شرایطی را در قانون پیش‌بینی کرده است که اگر جرمی تحت آن علل و شرایط اتفاق بیفتد، مجازات آن شدت می‌یابد. براساس این عنوان، احوال مشدده به احوال مشدده «عمومی» و احوال مشدده «اختصاصی» تقسیم شده است. طبق صراحت ماده ۲۱۷ کد جزای افغانستان، شرایط عمومی مسئولیت جزایی شامل اوضاع و احوالی است که وجود آنها باعث شدت مجازات می‌شود. این اوضاع و احوال در ماده ۲۱۸ کد جزا نیز تسجیل یافته است؛ خواه این اوضاع و احوال ناشی از شرایطی باشد که در شخص مجنی‌علیه نهفته باشد، مانند ارتکاب جرم با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی‌علیه، یا به ارتکاب جرم در حالات و وضعیت خاص مرتبط باشد، مانند ارتکاب جرم به‌طور وحشیانه و مثله نمودن مجنی‌علیه. (جمعی از حقوقدانان افغانستان، ۱۳۹۸، ص۵۹۲) بنابراین، ماده ۲۱۸ کد جزای افغانستان، اوضاع و احوال مشدده عمومی را این‌گونه بیان کرده است: «احوال مشدده عمومی مسئولیت جزایی عبارتند از: ارتکاب جرم با انگیزه دینی یا منحط؛ با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی‌علیه؛ به‌طور وحشیانه یا مثله نمودن

مجنی‌علیه؛ از طرف مؤظف خدمات عامه؛ از طرف شخصی که موظف به حفظ تمامیت جسمی، روانی، آزادی و نگهداری مال مجنی‌علیه است؛ با استفاده از ضعف حالت اقتصادی مجنی‌علیه؛ توسط شخصی که مواد مخدر یا مسکر را به قصد انجام جرم، استعمال نموده باشد؛ به سبب تعصبات نژادی، قومی، دینی، مذهبی، جنسیتی، سمتی، موقف اجتماعی یا اندیشه‌های سیاسی». زیرا کسی که بعد از محکومیت قطعی از سوی محکمه، دوباره مرتکب جرم می‌شود، حالت خطرناک خود را به نمایش می‌گذارد و مستحق سرزنش و مجازات بیشتر است.

کد جزای افغانستان، تکرار جرم را به‌صراحت از عوامل عمومی تشدید مجازات در ماده ۲۱۸ به‌شمار نیاورده است، اما از دیدگاه قانون مذکور، تلویحاً تکرار جرم یکی از عوامل عمومی تشدید مجازات است؛ زیرا علاوه بر ماده ۲۱۸ کد جزا، در فقره ۹ این ماده آمده است: «سایر حالات که در این قانون پیش‌بینی گردیده است». یکی از موارد مذکور در قانون نیز به حکم ماده ۷۹ کد جزای افغانستان، تکرار جرم است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «شخص زمانی مجرم متکرر شناخته می‌شود که به اثر ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، مرتکب جنحه یا جنایت عمدی دیگری شود». براساس تعریف مذکور، مقصود از تکرار جرم آن است که شخص بعد از ارتکاب جرم و صدور محکومیت قطعی و قبل از اعاده حیثیت، دوباره مرتکب جرم شود (جمعی از حقوقدانان افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۲۵۷).

براساس ماده ۸۹ کد جزا، تکرار جرم از این نظر که مجرم چه نوع جرایمی را مرتکب شود، به «تکرار عام» و «تکرار خاص» تقسیم می‌شود. تکرار خاص آن است که شخص اولاً به ارتکاب جنحه یا جنایت، محکوم به مجازات شده باشد و ثانیاً بعد از حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، اغلب مرتکب جرم یا جنحه عمومی مماثل اولی یا جنایت عمدی دیگری شود (جمعی از حقوقدانان افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۲۶۶). قانون‌گذار به موجب ماده ۸۳، برای تکرار خاص، دو برابر حداکثر مجازات و برای تکرار عام، یک‌ونیم برابر حداکثر مجازات اصل جرم را پیش‌بینی کرده است. تعدد جرم نیز در کد جزای افغانستان پیش‌بینی شده است، اما برخلاف حقوق ایران، از اسباب تشدید مجازات شمرده نمی‌شود؛ زیرا طبق این قانون، در مواردی که تطبیق همه مجازات‌های ارتکابی برای مجرم امکان‌پذیر باشد، عدالت و منطق حکم می‌کند که مجرم به

جزای جرم ارتکابی محکوم شود. در این فرض، مجازات مرتکب تشدید نمی‌شود؛ بلکه مجازات‌هایی که در قانون برای او مقرر شده است، اعمال می‌شود. ولی اگر اعمال همه مجازات‌های مقرر در قانون امکان‌پذیر نباشد، در این صورت به شدیدترین مجازات محکوم می‌شود. در این فرض نیز مجازات مجرم تخفیف نیافته است؛ بلکه به دلیل عدم تطبیق همه مجازات‌ها بر او، مجازات وی ناخواسته تخفیف یافته است. بنابراین، تفاوت است بین آنکه مرتکب یک جرم شده است، ولی به دلیل اسباب مشدده جرم، مجازات او تشدید یابد و شخصی که مرتکب جرایم متعدد شده است و از آنجا که تطبیق همه جرایم بر مجرم امکان ندارد، تنها به شدیدترین مجازات محکوم می‌شود و در حقیقت، به نوعی مجازات مرتکب تخفیف یافته است. در تعدد جرایم معنوی و اعتباری یعنی، جرایمی که فعل واحد مرتکب دارای عناوین و اوصاف مجرمانه متعدد است، مجازات مرتکب تشدید نمی‌شود؛ زیرا از این نظر که مجرم تنها به مجازات شدیدترین جرم محکوم می‌گردد، نه به مجازات همه جرایم ارتکابی، به نحوی مجازات او تخفیف می‌یابد. به همین دلیل است که کد جزای افغانستان، به‌حق، تعدد جرایم را از اسباب تشدید به‌شمار نیاورده است (جمعی از حقوقدانان افغانستان، ۱۳۹۸، ص ۲۴۴).

۵– ۲– ۲. علل مشدده خاص

علل تشدید مجازات در کد جزای افغانستان، در مواد مربوط به هر جرم به‌صورت پراکنده ذکر شده است؛ بااین‌حال، قانون‌گذار در ماده ۲۱۰، محکمه را مکلف ساخته است تا هنگام تعیین جزا، علاوه بر احوال مشدده عمومی مندرج در این قانون، احوال مشدده هر جرم را مطابق احکام مختص به آن رعایت کند (تبسم، ۱۳۹۹، ص ۹۹). از جمله علل مشدده خاص، حالات مشدده اختصاصی است که قانون‌گذار مطابق ماده ۵۴۷ کد جزا، برای ارتکاب قتل عمد در نظر گرفته است. به موجب این ماده، در صورت وجود حالات مشدده، مجازات قتل عمد تا اعدام یا حبس درجه یک بر مرتکب اعمال می‌شود، اما چنانچه حالات مشدده در قتل وجود نداشته باشد، قتل عمدی (ساده) تلقی شده و قاتل طبق فقره ۲ ماده ۵۴۷، به حبس دوام درجه دو محکوم خواهد شد. در واقع، قانونگذار مبنای تشدید مجازات قتل عمد را براساس اعتبارات

مختلفی قرار داده است که عبارتند از:

الف) تشدید مجازات به اعتبار نیت مرتکب یا انگیزه جرمی: قتل با اصرار قبلی و مترصد؛ داشتن قصد قتل بیش از یک نفر؛ ارتکاب قتل عمد با انگیزه دَنی یا در برابر اجرت.

ب) تشدید مجازات به اعتبار وسایل ارتکاب جنایت: قتل با استعمال مواد سمی و کشنده؛ قتل با مواد منفجره؛ قتل با استفاده از حریق.

ج) تشدید مجازات به اعتبار ویژگی مجنی‌علیه: قتل موظف خدمات عامه؛ قتل اصول (پدر، مادر و اجداد شخص).

د) تشدید مجازات به اعتبار ظروف ارتکاب جرم: قتل با شکنجه؛ قتل توأم با جنایت یا جنحه عمدی دیگر؛ تکرار قتل در خلال مدت تنفیذ حکم؛ قتل همراه با مثله کردن جسد مقتول؛ ارتکاب قتل به‌منظور تمهید یا تسهیل ارتکاب جنایت یا جنحه دیگر یا به‌منظور فرار یا رهایی از تطبیق جزا (سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق، ۱۳۹۸، ص ۲۶).

دیگر موارد علل مشدده خاص درباره تشدید مجازات جرم خیانت در امانت (ماده ۷۲۳ کد جزا)، جرم جاسوسی (ماده ۲۴۱ کد جزا)، جرم قاچاق انسان (ماده ۵۹۴ کد جزا)، جرم اختطاف و آدم‌ربایی (ماده ۵۹۴ کد جزا)، جرم هتک منزل (ماده ۶۲۲ کد جزا) و تجاوز جنسی (ماده ۶۳۹ کد جزا) نیز آمده است.

۶. آثار تشدید مجازات

۶– ۱. آثار تشدید مجازات در حقوق کیفری ایران

۶– ۱– ۱. جمع مجازات‌ها

بر مبنای این شیوه، به هر یک از جرایم به‌صورت جداگانه رسیدگی می‌شود، برای هر جرم مجازات مستقلی تعیین می‌شود و تمام مجازات‌ها درباره محکوم‌علیه به اجرا گذاشته می‌شود. مهم‌ترین ایراد این شیوه، غیرممکن بودن جمع مجازات‌ها، به‌ویژه در مواردی است که مجازات سالب حیات با مجازات‌های حبس، اعم از دائم و موقت، یا تبعید به اجرا گذاشته می‌شود. برای

رفع این ایراد، قانون مجازات اسلامی در دو مورد، یعنی هنگامی که مجازات اعدام با حبس یا تبعید جمع شده است (تبصره ۱ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی) و زمانی که اجرای مجازاتی مانند جلد (شلاق) توأم با مجازات اعدام یا رجم (سنگسار) بیهوده جلوه می‌کند (تبصره ۳ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی)، اجرای یک مجازات یعنی، همان مجازات سالب حیات، را کافی دانسته است. همچنین، در ماده ۱۳۳، در جایی‌که جمع دو مجازات سالب حیات یعنی، حد و قصاص، ممتنع بوده است، تقدم را به اجرای قصاص داده و از اجرای حد چشم‌پوشی کرده است. بااین‌همه، چنان‌که گفته شد، شیوه جمع مادی مجازات‌ها در خصوص تعدد جرایم موجب تعزیر و قصاص، تعزیر و حد و تعزیرات درجه هفت و هشت، همچنان در نظام کیفری رعایت می‌شود.

۶– ۱– ۲. اعمال مجازات اشد

در این شیوه، به تک‌تک اتهام‌های مرتکب رسیدگی می‌شود و با احراز تعدد جرم، برای هر یک، مجازات علی‌حدّه تعیین و فقط مجازات شدیدترین آنها در نظر گرفته می‌شود. به این شیوه نیز خرده گرفته‌اند که با اجرای یک مجازات، آن‌هم شدیدترین آن، آیا بزهکاران به ارتکاب جرایم خفیف‌تر تشویق نمی‌شوند، درحالی‌که اطمینان دارند با هر تعداد جرمی که مرتکب شوند، در نهایت مجازات شدیدترین جرم را تحمل خواهند کرد؟ در صدر ماده ۱۳۴ آمده است: هرگاه جرایم ارتکابی مختلف نباشند، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در این صورت، دادگاه می‌تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرایم مختلف ذکر شده است، مجازات را تشدید کند.

۶– ۱– ۳. اعمال مجازات افزون بر حداکثر

فراتر رفتن از حداکثر مجازات شدیدترین جرم، تا تعیین مجازاتی تا سقف مقرر قانونی، از ویژگی‌های این شیوه مواجهه با جرایم متعدد است که در قانون مجازات اسلامی، در فرضی که جرایم ارتکابی بیش از سه فقره باشد، تجویز شده است. طبق بند پ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، چنانچه جرایم ارتکابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت، دادگاه می‌تواند مجازات هر یک را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی، تا یک‌چهارم آن تعیین کند.

۶– ۲. آثار تشدید مجازات در کد جزای افغانستان

۶– ۲– ۱. حکم به حداکثر مجازات مقرر قانونی

به موجب بند ۱ ماده ۲۱۹ کد جزای افغانستان، در صورتی که جزای جرم حبس دوام درجه ۱ باشد، مرتکب به حداکثر مجازات درجه ۱ محکوم می‌شود. آنچه از این ماده به‌دست می‌آید، این است که اولاً، اختیار قاضی در تعیین حداکثر مجازات مطلق نیست، بلکه محدود به تجویز قانون‌گذار است؛ ثانیاً، منظور از تشدید مجازات نیز به موجب بندهای چهارگانه ماده، «تعیین حداکثر مجازات مقرر قانونی» است؛ زیرا، برای مثال، اگر جرمی اتفاق بیفتد که جزای آن حبس دوام درجه یک باشد، قاضی در حالت تشدید باید به حداکثر مجازات حبس دوام درجه یک حکم کند، نه بیشتر از آن. همچنین، در صورتی که جزای جرم حبس قصیر باشد، قاضی اختیار دارد تا به حداکثر حبس قصیر حکم نماید. از تعابیر قانون چنین حاصل می‌شود که منظور قانون‌گذار از تشدید مجازات، تعیین حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

۶– ۲– ۲. حکم به بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی

در یکی از دیدگاه‌های مطرح درباره نحوه تعیین مجازات در نظام مجازات‌های حداقلی و حداکثری، بر این باورند که قاضی در صورت وجود جهات مشدده باید بتواند از حداکثر مجازات مقرر قانونی تجاوز کند. دلیل این دیدگاه آن است که تعیین مجازات بین حداقل و حداکثر، در اختیار قاضی قرار دارد و این مجازات، بدون توسل به جهات مخففه و مشدده، اعمال می‌شود. بنابراین، همین که کیفیات مشدده مورد توجه قاضی قرار می‌گیرد، برای تشدید مجازات باید میزان مجازات را بیش از حداکثر تعیین کند و در صورتی که به کیفیات مخففه اشاره شود، باید میزان مجازات را کمتر از حداقل قانونی تعیین نماید. (رحمدل، ۱۳۹۴، ص ۱۷۳) درباره موضع‌گیری و رویکرد کد جزای افغانستان نسبت به تشدید مجازات به بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی، باید توجه داشت که از بندهای ۱ و ۲ ماده ۸۳ درباره تکرار جرم و بند ۳ ماده ۲۱۹ کد جزای افغانستان استنباط می‌شود که گویا قانون‌گذار تشدید مجازات را به بیش از حداکثر

مجازات مقرر قانونی تجویز کرده است. چنانکه در بندهای ۱ و ۲ ماده ۸۳ درباره مجازات مرتکب آمده است: «در جرایم تکرار خاص مرتکب به مجازاتی که از دو چند حداکثر مجازات اصل جرم، بیشتر نباشد؛ در جرایم متکرر مرتکب به مجازات حداکثر یک و نیم چند مجازات اصل جرم، محکوم به مجازات خواهد شد». بند ۱ ماده ۸۰ کد جزا نیز از یک سو به قاضی اختیار داده است تا در صورت تکرار جنحه عمدی مماثل اولی یا جنایت، مجازات مرتکب را تا دو برابر مجازات حداکثر مقرر قانونی جرم ارتکابی تشدید نماید، اما از سوی دیگر، برای تشدید مجازات، اختیار قاضی را محدود کرده است؛ به‌نحوی‌که قاضی نباید به بیش از دو برابر مجازات مصرح در قانون حکم نماید. همچنین، در بند ۳ ماده مذکور آمده است: «درصورتی که جزای جرم حبس طویل یا متوسط باشد، قاضی به بیش از حداکثر جزای مذکور، مشروط براین که مجموع مجازات از یک‌ونیم مجازات حداکثر مجازات اصلی تجاوز نکند، حکم می‌نماید»؛ به این معنا که هرگاه در جرایمی که جزای آن حبس طویل یا متوسط است، حالات مشدده مندرج در ماده ۲۱۸ کد جزا وجود داشته باشد، قاضی باید مرتکب را به بیش از حداکثر جزای ارتکابی، تا یک و نیم برابر حداکثر مجازات اصلی، محکوم نماید.

از عبارت «بیش از حداکثر جزای مذکور» معلوم می‌شود که گویا تشدید مجازات در کد جزای افغانستان به معنای تجویز «تعیین بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی» برای قاضی بوده و قاضی در این زمینه اختیار دارد، اما از عبارت «یک‌ونیم چند حداکثر مجازات اصلی تجاوز نکند» معلوم می‌شود که اختیار قاضی نامحدود نیست و وی نمی‌تواند از میزان مقرر قانونی، یعنی یک‌ونیم برابر حداکثر مجازات اصلی، تجاوز نماید. بنابراین، قاضی نمی‌تواند مجازات مقرر در بند ۳ ماده ۲۱۹ کد جزا را به بیش از یک‌ونیم برابر حداکثر مجازات اصلی تشدید نماید. برای نمونه، در بند ۲ ماده ۴۹۶ کد جزا آمده است: «سازماندِه (سردستگی) به یک‌ونیم چند حداکثر جرم مرتکبه، محکوم می‌شود، مشروط به اینکه مجموع مدت حبس وی، از میعاد حبس دوام درجه۱ بیشتر نشود و در صورت عدم ارتکاب جرم به حبس طویل تا ۱۰ سال محکوم می‌شود». این بدین معناست که چون سازماندهی و سردستگی از جمله عوامل تشدید عام مجازات است، به

قاضی اجازه داده شده است تا مجازات سازمان‌دهنده یا سردسته را به یک‌ونیم برابر حداکثر جرم ارتکابی تشدید نماید که خود به معنای تعیین بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی است (تبسم، ۱۳۹۹، ص ۱۰۳).

۶– ۲– ۳. تبدیل مجازات به مجازات نوعاً شدیدتر

برخی بر این باورند که تبدیل مجازات به مجازات دیگری که یک درجه شدیدتر باشد، در برخی موارد نیز نوعی تشدید مجازات تلقی می‌شود. از صراحت متن کد جزای افغانستان درباره احوال مشدده مسئولیت جزایی، به‌خوبی استفاده می‌شود که گویا قانون‌گذار افغانستان، تبدیل مجازات به مجازاتی یک درجه بالاتر را نیز نوعی تشدید مجازات دانسته است. چنان‌که در بند ۲ ماده ۲۱۹ آمده است: «درصورتی که جزای جرم حبس دوام درجه۲ باشد، به حبس دوام درجه۱ تبدیل می‌شود»؛ یعنی هرگاه فردی مرتکب جرمی شود که جزای آن حبس دوام درجه ۲ باشد و جرم در یکی از حالات مندرج در ماده ۲۱۸ (حالات مشدده عمومی) ارتکاب یافته باشد، قاضی باید مرتکب را به حبس دوام درجه ۱ محکوم کند.

اگر پذیریفته شود که تبدیل مجازات به مجازات دیگری که عرفاً یک درجه بالاتر است نیز «تشدید مجازات» تلقی می‌شود، در این صورت، از محتوای بند ۲ ماده ۲۱۹ کد جزا چنین برمی‌آید که گویا قانون‌گذار، حکم به حبس دوام درجه ۱ را به‌مثابه تشدید مجازات در حبس دوام درجه ۲ پذیرفته است، اما باید گفت، علاوه بر پذیرش چنین تشدیدی به‌صورت تبدیل مجازات به مجازاتی یک درجه بالاتر، قاضی در تشدید نوع مجازات، که همانا حبس دوام درجه ۱ است، مقید به تجویز قانون‌گذار بوده، درحالی‌که در تعیین میزان تشدید، مقید به دستور قانون‌گذار نیست. البته، در همه مواردی که قانون‌گذار به تشدید مجازات تصریح نموده است، دو شرط وجود دارد: نخست اینکه، تشدید مجازات براساس اسباب و حالات مندرج در قانون صورت گرفته باشد. دوم اینکه، قاضی مکلف است حالاتی را که به موجب آن، مجازات تشدید یافته است، در اسباب و دلایل حکم خود تصریح نماید که این موضوع در ماده ۲۲۰ کد جزا به‌صراحت بیان شده است. (تبسم، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴)

۷. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده درباره مبانی و آثار تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی ایران و کد جزای افغانستان، با تکیه بر متن صریح قانون، این نتیجه به دست می‌آید که مبانی تشدید مجازات در قوانین ایران و افغانستان یکسان است و همان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، اصل تناسب جرم و مجازات و اصل فردی‌نمودن مجازات است، اما در مصادیق، شرایط یا کیفیات مشدده جرم، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. علل مشدده در قانون مجازات اسلامی ایران و افغانستان به علل مشدده عام و علل مشدده خاص تقسیم شده‌اند. علل مشدده عام در قانون مجازات اسلامی شامل تعدد و تکرار جرم می‌شود؛ درحالی‌که در کد جزای افغانستان، تعدد جرم از جمله علل تشدید مجازات نیست، اما تکرار جرم در هر دو نظام حقوقی از جمله علل مشدده عام شناخته می‌شود که تشدید مجازات مرتکبان را به همراه دارد. علاوه بر آن، حالات مندرج در ماده ۲۱۸ کد جزای افغانستان نیز از علل مشدده مجازات شمرده شده است.

در احکام و آثار تشدید مجازات نیز میان دو نظام حقوقی تفاوت‌های جزئی وجود دارد؛ بدین ترتیب که به موجب قانون مجازات اسلامی ایران، سه‌شیوه جمع مجازات‌ها، اعمال مجازات اشد و اعمال مجازات افزون بر حداکثر پذیرفته شده است، اما در حقوق کیفری افغانستان، تشدید مجازات به سه شکل تعیین مجازات حداکثر، تعیین مجازات بیش از حداکثر و تبدیل مجازات به مجازات دیگری که نوعاً شدیدتر است، صورت می‌گیرد.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی*. تهران: میزان.

۲. امینی، محمدولی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: مستقبل.

۳. تبسم، ادریس (۱۳۹۹). مفهوم تشدید مجازات در کد جزای افغانستان. *مجله پژوهشی و مطالعات علوم اسلامی*، ۲(۱۸)، ۹۲- ۱۰۶.

۴. جمعی از حقوق دانان افغانستان (۱۳۹۸). *شرح کد جزا*. کابل: بنیاد آسیا.

۵. حیدری، علی مراد (۱۳۹۴). *حقوق جزای عمومی (بررسی فقهی، حقوقی واکنش علیه جرم)*. قم: یاران.

۶. رحمدل، منصور (۱۳۹۴). *تناسب جرم و مجازات*. تهران: سمت.
۷. شاه‌جهان‌پور، سید بنان (۱۳۹۵). *تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی جدید*. تهران: قانون یار.
۸. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. تهران: بانک ملی.
۹. معین، محمد (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*. تهران: امیر کبیر.
۱۰. نوربها، رضا (۱۳۹۶). *زمینه حقوق جزای عمومی*. تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز.